



The Reflection of the Concept of Resistance in the Socio-Political Conduct of Imam al-Kazim (peace be upon him)

Meysam Motiee¹ | Morteza Soltani²

Doi: 10.47176/cir.2025.1241

Abstract

The concept of resistance constituted a strategic approach of the infallible Imams in confronting the tyrannical rulers of their time, and it is particularly evident in the socio-political life of Imam al-Kāzīm (peace be upon him). The Abbasid regime adopted severe policies of repression, economic blockade, and political marginalization of the Imam. In such a suffocating atmosphere, Imam al-Kāzīm faced a choice between surrender and compromise with tyranny, or dignified resistance against the imposition of illegitimate demands. Historical records attest to his steadfast resistance against the despotic caliphs of the Abbasid dynasty, despite enduring severe hardships and suffering.

The purpose of this study is to explain and systematize Imam al-Kāzīm's strategy of resistance in response to the oppressive policies of his time. Using a descriptive-analytical method and through a study of his conduct, it becomes evident that his resistance was shaped along two axes: affirmative (ijabī) and negative (salbī). Affirmative resistance manifested in forms such as intellectual struggle, declaring the illegitimacy of the ruling system, influencing the political apparatus, reviving the memory of Imam al-Husayn (peace be upon him) as the symbol of resistance, economic endurance, cultural confrontation, and indirect support for revolutionary movements. Negative resistance, on the other hand, was primarily economic and political, focusing on undermining public trust in the tyrannical rulers and employing strategies that challenged the legitimacy of their authority. While Imam al-Kāzīm's resistance avoided reckless or overtly confrontational actions, it never degenerated into superficial or symbolic gestures. Rather, it effectively delegitimized the oppressive rulers and established him as a distinguished exemplar of dignified and enduring resistance in his era.

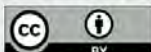
Keywords: Imam Kazim (peace be upon him), resistance, perseverance, political character, social character.

1. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Studies, Faculty of Islamic Studies and Theology, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. m.mahmel@gmail.com
2. PhD student in Quran and Hadith Studies, Faculty of Islamic Studies and Theology, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

Cite this Paper: Motiee'M & Soltani'M. The Reflection of the Concept of Resistance in the Socio-Political Conduct of Imam al-Kazim (peace be upon him). *Civilizational interdisciplinary studies of Islamic Revolution*. 4(14), 61-90.

Publisher: Imam Hussein University

© Authors



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱

صص: ۹۰-۶۱

شابا چاپی: ۸۹۰۱-۳۹۸۰
الکترونیکی: ۱۶۸۵-۲۸۲۱



بازتاب مفهوم مقاومت در سیره سیاسی- اجتماعی امام کاظم علیه‌السلام

میثم مطیعی^۱ | مرتضی سلطانی^۲

چکیده

مسئله مقاومت راهبرد هوشمندانه امامان معصوم علیه‌السلام در مواجهه با طواغیت دوران بوده و در زندگانی اجتماعی امام کاظم علیه‌السلام نمود بارزتری دارد. حاکمیت آن زمان استراتژی سرکوب شدید ایشان و یاران، محاصره اقتصادی و در عرصه سیاسی نیز دور نگه‌داشتن ایشان از معادلات جهان اسلام را در پیش گرفته بود. در این میان لازم بود تا امام کاظم علیه‌السلام راهبرد مناسبی را مناسب با فضای اختناق آن دوران اتخاذ نمایند. مسئله این پژوهش، یافتن و ترسیم سبک مناسبات حضرت کاظم علیه‌السلام در تعامل با حکومت جور بنی‌العباس است. بالطبع ایشان با باید سیاست تسلیم و سازش با طواغیت و کناره‌گیری از ارزش‌های دینی را پیش می‌گرفتند و یا عزتمندانه در مقابل تحمیل خواسته‌های دشمن به مقاومت می‌پرداختند که صفحات تاریخ اسلام گواه مقاومت ایشان در مقابل خلفای جور بنی‌العباس با تحمل تمامی مشاق و ملالت‌هاست و اساساً صفحات تاریخ، تقریباً از گزارش حیاتی ایمن و آسوده و به دور از دلهره نسبت به ائمه علیه‌السلام خالی است. بدین‌ترتیب هدف این تحقیق تبیین و صورت بندی راهبرد مقاومت امام کاظم علیه‌السلام در قبال چنین رویکردهایی است که از جانب حکومت جور آن زمان اعمال می‌گردید. با پژوهشی که به روش توصیفی-تحلیلی از لایه‌لای مطالعه‌ی سیره آن جناب علیه‌السلام برآمد مشخص گردید که مقاومت ایشان متناسب با شرایط سیاسی جامعه در دو محور مقاومت ایجابی و سلبی شکل گرفت. مقاومت ایجابی بیشتر در قالب مقاومت علمی، ابراز عدم مشروعیت حکومت، نفوذ در دستگاه حاکمیت، تجدید یاد و خاطره سیدالشهداء علیه‌السلام به عنوان سمبل مقاومت، مقاومت اقتصادی، رویارویی فرهنگی و حمایت از جنبش‌های انقلابی به صورت غیرمستقیم بود. مقاومت سلبی ایشان نیز عمدتاً در دو محور اقتصادی و سیاسی در قالب اعتمادزایی از حاکمیت طواغیت زمان و در مدار راهبردهایی که نظام سلطه را به چالش می‌کشید طرح‌ریزی و استوار شده بود. مقاومت ایشان گرچه تشنج‌آفرینی فعالیت‌های بی‌پروا و بی‌پرده را نداشت، اما هرگز رنگ و بوی قشری و نمادین به خود نگرفت و در بی‌پشتوانه ساختن سلطه حکمرانان فاجر به شدت مؤثر افتاد و از این جهت میدان‌داری مبارزه سلبی با جباران دوران در چهره قهرمان و مقاوم ایشان انعکاس یافت و همین امر شخصیت ایشان را در دوران مبارزه ممتاز نموده است.

کلیدواژه‌ها: امام کاظم علیه‌السلام، مقاومت، استقامت، صبر، سیره سیاسی، سیره اجتماعی

۱. نویسنده مسئول: استادیار، دانشکده معارف اسلامی و الهیات، دانشگاه اصفهان (علیه‌السلام)، تهران، ایران
m.mahmel@gmail.com

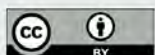
۲. دانشجوی مقطع دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده معارف اسلامی و الهیات، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، تهران، ایران

استناد: مطیعی، میثم؛ سلطانی، مرتضی. (۱۴۰۴). بازتاب مفهوم مقاومت در سیره سیاسی- اجتماعی امام کاظم علیه‌السلام؛ مطالعات

میان‌رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی، ۴(۱۴)، ۹۰-۶۱. Doi: 10.47176/cir.2025.1241

© نویسنده‌گان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

سیره اهل بیت علیهم السلام به عنوان یکی از منابع شناخت اسلام همواره مدنظر علمای شیعه و محققان این عرصه بوده و حجیت فعل و تقریر ایشان نیز در ابعاد مختلف همانند قول آنان محرز بوده است. در زمانه کنونی و به دلیل پیچیدگی شرایط سیاسی و اجتماعی دوران، توجه به سیره سیاسی اهل بیت علیهم السلام بیش از پیش حائز اهمیت است. حفظ و پاسداری از اسلام و حمایت و مرزبانی از حریم آن در قالب هر نوع مبارزه، رسالتی مفروض بر امام معصوم و از واجبات تکالیف ایشان محسوب می گردد و به همین دلیل می توان اذعان داشت، راهبرد امامان معصوم علیهم السلام در طول دوران به مقاومت گره خورده است و در این میدان، با توجه به شرایط خاص زندگانی امام کاظم علیه السلام، مقاومت نمود بسیار برجسته تری در حیات ایشان داشته است. حکومت در زمان هارون الرشید نه مانند اواخر بنی امیه و نه مثل اوایل بنی العباس آسیب پذیر نیست؛ بلکه در اوج اقتدار خود است اما بارها توسط امام کاظم علیه السلام بازی خورده و دستگاه خلافت حتی کوچکترین مستندی جهت اتهام نبرد مسلحانه علیه ایشان پیدا نمی کند. هدف مقاومت امام کاظم علیه السلام پیگیری خط جهادی بوده که هدف آن سه چیز بوده است: تبیین اسلام ناب، تبیین مسئله امامت و حاکمیت سیاسی و سوم کوشش برای تشکیل آن (خامنه ای، ۱۳۹۰: ۳۱۶) و تبیین همین خط است که همه اجزای زندگی ایشان را به یکدیگر مرتبط ساخته و تصویری واضح، متکامل و جهت دار که در آن هر پدیده ای و هر حادثه و حرکتی دارای معنایی است ارائه می کند [و آن] همان خط جهاد مستمری بوده که همه عمر ۳۵ ساله امامت ایشان را فراگرفته بود (همان: ۳۱۵) و این همان چیزی است که حوادث بی ارتباط و گاه متناقض را معنادار می کند.

اهمیت این تحقیق از آن جهت است که به وجوه مقاومت در حیات نماد مقاومت در میان اهل بیت علیهم السلام یعنی حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام پرداخته و تصویر روشن و ملموس تری را، با استناد به سیره معصوم و نیز نماد مقاومت در میان اهل بیت علیهم السلام، از مفهوم "مقاومت اسلامی" ارائه و تبیین می نماید و ضرورت آن بدین جهت است که غفلت از گفتمان اسلامی و سیره معصومان در قبال مستکبران عالم، مسیر حرکت جامعه اسلامی را با مانع روبه رو

کرده و عدم ارائه سیره صحیح معصومان در قبال ظلم و استکبار، تفسیری متفاوت، سازش کارانه، و مخدوش از گفتمان دینی ارائه خواهد کرد اما در پرتو تبیین سیره سیاسی امام معصوم و ارائه روایت شیعی از گفتمان مقاومت، چنین نقیصه‌ای جبران خواهد شد.

سؤال اصلی این پژوهش آن است که انواع و گونه‌های مقاومت و نیز کیفیت بروز و ظهور آن، در سیره سیاسی اجتماعی امام کاظم علیه السلام به چه کیفیتی بوده است؟ روش تحقیق این پژوهش نیز به لحاظ نوع، بنیادی و از لحاظ رویکرد توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری داده‌ها نیز از روش اسنادی استفاده شده و با بهره‌برداری از منابع حدیث، تاریخ و سیره مورد استناد سیره نویسان، به توصیف موقعیت‌ها پرداخته‌ایم. بدین ترتیب در گام اول با مطالعه کتابخانه‌ای منابع و گزارش‌ها، موارد مورد نظر استخراج و سپس با تقسیم‌بندی آن به ایجابی و سلبی که توضیح و تعریف آن در ادامه خواهد آمد مصادیق کنش مقاومتی آن امام همام دسته‌بندی و تحلیل شده است.

پیشینه پژوهش

در مسئله مقاومت در سیره امام کاظم علیه السلام اثری مستقل به چاپ نرسیده اما سایر آثار در موضوع مقاومت عبارت‌اند از:

الف) آثاری که به لحاظ ملاحظات مفهومی و معنایی مقاومت و مبتنی بر آثار اندیشه ورزان و متفکران به این مسئله پرداخته‌اند؛ نظیر مهدی پور (۱۳۹۸) که مفهوم مقاومت در اندیشه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای حفظه الله را بررسی کرده؛ و یا بیگی و درخشه (۱۴۰۰) که مؤلفه‌های مقاومت را در بیانیه گام دوم انقلاب رهبر انقلاب مورد کاوش قرار داده‌اند. نیز نظیر پژوهش زندوکیلی و درخشه (۱۴۰۱) که اندیشه مقاومت را مبتنی بر اندیشه شهید سیدمحمدباقر صدر مورد بازسازی قرار داده‌اند.

ب) آثاری که مبتنی بر نظریه و یا مفهومی خاص به رشته تحریر در آمده‌اند؛ نظیر پژوهش فرهادی و شفیع قهفرخی (۱۴۰۱) که در آن به بازنگری سیاست مقاومت در سپهر نظریه‌های اخلاق هنجاری پرداخته و یا پژوهش قاسمی و دیگران (۱۴۰۱) که مفهوم‌شناسی مقاومت، بر اساس نظریه اصل واحد را بدان پرداخته‌اند.

ج) آثاری که به شکل عمومی، کارکردها و منافع مقاومت را در سیاست مبنای پژوهش خویش قرار داده‌اند؛ آثاری از جعفرپور کلوری و چیت فروش (۱۴۰۱) با تحلیل کارکردهای دانشگاه در حوزه مقاومت؛ محمود کیا (۱۴۰۰) با بررسی منافع ملی و راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی، سیمبر (۱۴۰۱) با تحلیل کارکردهای مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نمونه‌هایی از این قبیلند.

در مسئله سابقه پژوهش و هم‌راستا با این تحقیق، طیفی از آثار مرتبط با موضوع مقاومت که از جنبه دینی به موضوع مورد نظر پرداخته‌اند عبارتند از:

الف. با تأکید بر قرآن کریم تحقیقاتی مانند اثر میرقادری و کیانی (۱۳۹۱) که بن مایه‌های مقاومت در قرآن کریم را در آن بررسی کرده‌اند؛ نیز زاهدی تیر و ناجی (۱۳۹۸) که با رویکرد اجتماعی، مفهوم مقاومت در آیات قرآن کریم را مورد بررسی قرار داده و حیدریان‌شهری و دیگران (۱۳۹۶) که به استقامت در دعوت پیامبران با تأکید بر نمود آن در سوره یوسف علیه السلام پرداخته‌اند.

ب. آثاری که با تأکید بر سنت اهل بیت علیه السلام به مفهوم مقاومت پرداخته‌اند، مانند عمرانی (۱۳۸۵) با مقاله استقامت در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم.

ج. منابعی که به معنای عام و کلی مقاومت از منظر اسلامی پرداخته‌اند؛ نظیر کتاب مقاومت در اسلام؛ نظریه و الگو از اصغر افتخاری که نظریه‌ها و راهبردهای معطوف به مقاومت را بررسی کرده است. آصفی (۱۳۸۸) نیز در پژوهشی در احادیث و سیره معصومان علیهم السلام با تقسیم فقه به "فقه مقاومت" و "فقه حکومت"، مبانی فقهی مقاومت مسلحانه را چه در داخل و چه خارجی آن تبیین نموده است.

بدین ترتیب اثری که مشخصاً در موضوع مقاومت، سیره سیاسی و اجتماعی امام کاظم علیه السلام را مورد بررسی قرار داده باشد یافت نشد و این تحقیق از این حیث اثری متمایز است. تنها آثاری که به موضوع مقاومت در سیره اهل بیت علیهم السلام پرداخته‌اند: مقاله "استقامت در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم" از مرتضی عمرانی (۱۳۸۵) است که در نشریه مطالعات راهبردی بسیج به چاپ رسیده و دیگری اثر عبدالرحیم پاک‌نیا تبریزی تحت عنوان "مقاومت در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم" و مراحل آن (۱۴۰۳)، چاپ شده در نشریه مبلغان که هر دو عنوان گویای عدم ارتباط

آن‌ها با موضوع پیش روست. بدین ترتیب و با توجه به خلأ پژوهشی موجود در این زمینه، سیره امام کاظم علیه السلام منبع مناسبی جهت ارائه تصویری ملموس از مقاومت اسلامی مفید و کارگشا ارزیابی گردید.

۲. چهارچوب نظری و مفهومی

۲-۱. مفهوم مقاومت

آن گونه که علمای لغت گفته‌اند: ریشه "قَوْم" به معنی عزم راسخ و ثبات قدم است. "القیام" نیز نقیض جلوس است (ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۶: ۵۸۸) و در واقع آن هنگامی که کسی به امری گردن نهاده، قیام به آن کار نموده است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵: ۴۳). حال اگر در باب مفاعله به کار برود: "قَاوَمَه" یعنی صبر و پایداری کرد تا حاجتش را برآورده نمود (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۴: ۱۲۵). نیز [المقاومه]: در جنگ به معنای ایستادگی و پایداری است (حمیری، ۱۴۲۰، ج ۸: ۵۶۸۲) و وقتی گفته می‌شود: "قَاوَمَ الشَّعْبُ الْمُسْتَعْمَرُ حَتَّى نَالَ اسْتِقْلَالَهُ" یعنی ملت مستعمره تا زمان رسیدن به استقلال مقاومت نمود (حیدری، ۱۳۸۱: ۶۲۳). از معنای لغوی مقاومت چنین بر می‌آید که محدود به رویارویی در کارزار جنگ نیست بلکه پایداری در برابر عوامل برهم‌زننده تعادل و توازن را شامل می‌شود. مقاومت یک وجه قتالی صرف نیست، بلکه یک رویارویی فرهنگی، تبلیغاتی، تربیتی، اخلاقی، سلوکی، اقتصادی، سیاسی و نظامی است (محمدخالد، ۱۴۰۱).

در تعریف اصطلاحی مقاومت گفته شده: "مقاومت بر کلیه عکس‌العمل‌هایی اطلاق می‌شود که ممکن است به شکل تدابیر اجرایی و بازدارنده باشند و گروه یا سازمان یا فردی در رویارویی با تهدیدها و خطرها و تجاوزهای خارجی یا داخلی با آن روبه‌رو می‌شود" (مطلق شقور، ۲۰۰۹: ۲۰-۲۱). آیت‌الله خامنه‌ای حفظه الله تعالی معتقدند معنای مقاومت این است که: انسان یک راهی را انتخاب بکند که آن را حق می‌داند؛ راه درست می‌داند و در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از حرکت در این راه منصرف کند و او را متوقف نماید، این معنای مقاومت است" (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۳/۱۴).

مقاومت نتیجه نیست، راهبرد است که ماهیت اصلی آن متشکل از دو عنصر صبر و مبارزه است. مقاومت تحمل عاجزانه و ذلیلانه مصائب مسیر آن نیست؛ بلکه توأم با تکاپو برای رهایی از وضعیت نامطلوب بوده و لازمه‌ی آن توجه به روحیه ایثار است. بدین ترتیب ثمرات مقاومت لزوماً کوتاه‌مدت و زود هنگام نیست؛ بلکه برای رسیدن به وضعیت مطلوب، برهه‌ای از زمان را باید به تحمل متاعب آن پرداخت. مقاومت یک پروسه است و به همین دلیل ممکن است تا چند نسل بعد از ثمرات مقاومت کامیاب نباشند. برخی معتقدند مقاومت مفهومی است که فقط برای جبهه‌ی حق قابلیت کاربرد دارد و از این رو کاربرد مقاومت برای جبهه باطل صحیح به نظر نمی‌رسد (زاهدی تیر و ناجی، ۱۳۹۸: ۲۲۳).

در مفهوم مقاومت نیز آنچه نقطه مقابل آن است، سازشکاری و تسلیم است که لوازم برجسته آن عبارتند از: قطع امید از دشمن، نگاه تهاجمی و نه انفعالی و هراسناک نبودن از جنجال‌آفرینی دشمن. از سویی مقاومت نیازمند دو چیز است و تلازم آن با دو امر دیگر معنای آن را هویدا می‌سازد:

شجاعت، عدم ضعف نفس و مرعوب نگشتن در مقابل دشمن.

وجود روحیه عزت‌طلبی و آزادگی و مستقل که هر دو امر نافی روحیه سازش است. از سوی دیگر تاکتیک دشمن همواره مقاومت‌زدایی است و با هدف تصرف فضای فکری و روحی جبهه حق دست به آرمان‌زدایی و ایدئولوژی‌زدایی و مایوس‌سازی می‌زند.

۲-۲. استقامت

هر چند لفظ مقاومت در قرآن کریم به کار نرفته است اما آیاتی که مفهوم مقاومت را به معنای خاص و البته در افقی بالاتر از آن افاده می‌کند، آنجایی است که استقامت و مشتقات آن، به کار رفته است، مثلاً آیه: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (هود علیه السلام: ۱۱۲) زیرا ارتباط تنگاتنگ و معناداری میان مقاومت و استقامت وجود دارد و جانشینی هر یک از آن دو خللی در معنا و مفهوم آن ایجاد نمی‌کنند زیرا هر دو، یک حقیقت را دنبال می‌کنند و آن ایستادگی بر مسئله‌ای است تا حق آن کامل و تمام ادا شده و آثار آن ظاهر شود (زاهدی تیر، ۱۳۹۸ ش: ۲۲۴). علامه طباطبایی معتقدند استقامت در هر امری به معنای ثابت قدم بودن در حفظ

۱. پس همان‌گونه که مأمور شده‌ای (بر عقاید و اعمال و ابلاغ دینت) پایدار و استوار باش و همچنین کسانی که با تو (به سوی خدا) رو آورده‌اند، و طغیان نکنید، که همانا او به آنچه به جا می‌آورید بیناست.

آن و در ادای حق آن بطور تمام و کامل است و استقامت خود انسان عبارت است از آنکه در امری از نفس خود بخواهد که بدان امر قیام نموده و آن را اصلاح کند، به طوری که فساد و نقص به آن راه نیافته و به حد کمال خود برسد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۱: ۴۷). در موارد دیگر کاربرد آن نیز «...فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ...» (التوبة: ۷) نیز انحصاری از مقاومت در جنگ برداشت نمی شود.

به نظر می رسد آیه ای که گفتمان مقاومت را به عنوان یک تکلیف ضروری در صحنه اجتماع به مسلمانان تذکر می دهد، آیه شریفه «فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ»^۱ (التوبة: ۷) است. مفسران نیز معانی چون: ثبات و دوام و طلب قیام و پیروی از راه خدا (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج: ۱۹۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰: ۱۱۶)، اعتدال و دوری از افراط و تفریط (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۶: ۲۳۷)، دعوت و استقامت بر توحید (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۵: ۳۰) را برشمرده اند. بنابراین همان طور که از بررسی تفسیری نیز بر می آید، مفهوم مقاومت در حقیقت ترجمان واژه استقامت و واجد بار معنایی و مفهوم قرآنی آن است.

۲-۳. صبر

"ص ب ر" و مشتقات آن ۱۰۳ بار در قرآن کریم به کار رفته است. صبر به معنای پایداری کردن و ضد جَزَع (فراخیزی، ۱۴۰۹ق، ج ۷: ۱۱۵) و حبس نفس و خودداری کردن از چیزی است عقل و شرع اقتضای آن را دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ۴۷۴). این خویشتن داری به حسب اختلاف موارد نام آن فرق می کند؛ اگر خویشتن داری در مصیبت باشد آن را "صبر"، در جنگ "شجاعت"، در پیشامدها "سعه صدر" و در امساک از سخن "کتمان" می گویند (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۸ق، ج ۶: ۱۵۰). نیز صبر به معنای ذَلَّت و قبول آن نیست، بلکه مقاومت در برابر عوامل شرآفرین، فسادآفرین و انحطاط آفرین است (خامنه ای، ۱۳۸۳: ۲۵). جایگاه صبر تا حدی است که خداوند متعال در مدح انبیای اولوالعزم، صفت صبر را به آنان تخصیص می دهد: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ» (الأحقاف: ۳۵). صبر آموزه ای است که انبیاء علیهم السلام برای رسیدن به مقاصد عالیّه خویش از آن بهره برده و شعار همه ایشان در برابر

۱. پس مادامی که (بر عهد خود) با شما پایداری کنند شما نیز (بر عهد خود) با آنها پایداری کنید.

۲. به نقل از مرحوم محقق طوسی

مخالفت‌ها، تکذیب‌ها و آزار و اذیت‌ها بوده: «وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ» (ابراهیم علیه السلام: ۱۲). با صبر و استقامت بود که بنی اسرائیل فرعونیان را شکست داده و هدف معنوی خود را کسب عزت و آزادی محقق ساختند: «وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا» (الأعراف: ۱۳۷). هرچند مصداق صبر به حسب مقوله آن از گستره وسیعی برخوردار است (صبر بر مصائب، طاعت، فرائض، صبر اجتماعی و انواع آن: مشفقانه، مصلحانه و...)، اما آنچه به موضوع مقاومت در این نوشتار ارتباط دارد "صبر در جهاد" است که پی در آیاتی نظیر «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا» (آل عمران: ۲۰۰)، «ثُمَّ جَاهِدُوا وَصَبِرُوا» (النحل: ۱۱۰) و... بدان اشاره دارد.

۴-۲. سیره سیاسی

سیره عبارت است از سبک، اسلوب و متد خاصی که افراد صاحب سبک و منطق در سیر خودشان به کار می‌برند. سیره یک سلسله اصول ثابت و منطق خاصی است که افراد در رفتار خود دارند؛ پس برای مثال سیره پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم یعنی سبک رفتار و عمل و تصمیم ایشان که برای اهداف خویش پیاده می‌کردند (مطهری، ۱۳۷۷: ۴۸). بنابراین مراد از سیره سیاسی امام معصوم نیز، نوع خاص رفتار ایشان در عرصه سیاست و نیز در تعامل با جبهه مقابل است که نظیر آن در تاریخ اسلام در گزارشات و تحلیل آن را در آثاری نظیر "الحياة السياسية للإمام الحسن عليه السلام"، "الحياة السياسية للإمام الرضا عليه السلام"، "الحياة السياسية للإمام الجواد عليه السلام" از علامه جعفر مرتضی عاملی و "حیات فکری سیاسی امامان شیعه" رسول جعفریان می‌یابیم.

۲-۵. تقیه

"الْوَقَايَةُ" در لغت حفظ شیء است از آنچه اذیت و ضرر می‌رساند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۸۱) و در اصطلاح یعنی معاشرت نیک با مردم به واسطه آنچه می‌شناسند و ترک آنچه نمی‌شناسند به خاطر دوری از کینه توزی و فساد (شهیداول، بی‌تا، ج ۲: ۱۵۵). دال بر آن آیات «إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً» (آل عمران: ۲۸) و «إِلَّا مَنْ أْكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ» (النحل: ۱۰۶) است و در

۱. که از نگاه مفسران اسلامی، "مصایره" از صبر شدیدتر و سخت‌تر است به معنای صبر در مقابل دشمنان خدا در جهاد و

شدائد جنگ است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۱: ۴۶۰)

اینکه شخصی که از نسبت به او تقیه رواداشته می‌شود از فرق مسلمانان باشد و یا از کفار تفاوتی نیست (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۵: ۷۵).

۶-۲. جهاد کبیر

یکی دیگر از مفاهیم کلیدی مرتبط با مقاومت، کلید واژه قرآنی جهاد کبیر است. جهاد کبیر مفهومی در عرض جهاد اصغر و جهاد اکبر است؛ جهاد اصغر به کارزار با کافران در میدان جنگ و جهاد اکبر به مبارزه با نفس اماره اشاره دارد. از بررسی لغوی و ریشه شناسی جهاد این نتیجه بر می‌آید که کاربرد فعل جهد در مواردی است که انجام آن هم نیاز به زحمت فراوان دارد: «الْجُهْدُ: مَا جَهَّدَ الْإِنْسَانُ مِنْ مَرَضٍ، أَوْ أَمْرٍ شَاقٍّ فَهُوَ» (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۳: ۳۸۶) و هم لازمه تحقق آن، به کار بستن نهایت طاقت و توان است: «بَلَّغَ الرَّجُلُ جُهْدَهُ وَ جَهْدَهُ وَ مَجْهُودَهُ، إِذَا بَلَغَ أَقْصَى قُوَّتِهِ وَ طَوْقَهُ» (ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۱: ۴۵۲). اما کاربرد قرآنی آن ناظر به معنای اصطلاحی جهاد در قرآن کریم است (کریمی و بخشی، ۱۳۹۹: ۱۹۰). جهاد کبیر اما تنها در آیه ۵۲ سوره مبارکه فرقان به کار رفته: «فَلَا تُطِيعُوا الْكَاْفِرِينَ وَ جَاهِدُوهُمْ بِجِهَادٍ كَبِيرٍ» اما با توجه به مکی بودن سوره فرقان جهاد به معنای نظامی آن مراد نیست؛ زیرا تشریع قتال پس از هجرت در مدینه و بعد از نیرومند شدن اسلام بوده است (معرفت، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۳۰-۱۳۱) فلذا علاوه بر ویژگی همراه بودن با سختی و به کارگیری تمام توان در جهت هدف، ویژگی بارز و اختصاصی جهاد کبیر نوعی مقابله غیر نظامی با کافران است. به عبارتی دشمن را باید شناخت و نسبت به برنامه‌های آنان علیه نظام اسلامی آگاهی داشت. جامعه اسلامی در برابر نسخه‌های اقتصادی سیاسی و... که دشمن برای آنها آماده می‌کند باید با احتیاط رفتار کند. وقتی این حساسیت در عرصه‌های مختلف ایجاد شود، دشمن توانایی به تبعیت و داشتن جامعه را نخواهد داشت خامنه‌ای، بیانات در سالگرد رحلت امام خمینی رحمه الله علیه: ۱۴/۳/۱۳۹۵).

۷-۲. نفی سیل

این قاعده کارگشای قرآنی نیز که برگرفته از آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (النساء: ۱۴۱) به این مسئله اشاره دارد که خداوند حکمی را که موجب تسلط کفار بر مسلمانان گردد را جعل نفرمود و بنابراین هر حکم یا سیاستی که پیاده شدن آن سلطه کفار را در پی داشته باشد جایز نیست (علیدوست، ۱۳۸۳: ۲۳۱-۲۵۳).

۴. انواع مقاومت و تعریف آن

از حیث نظری می‌توان مقاومت را ذیل دو گفتمان اصلی [سلبی و ایجابی] جای داد (افتخاری، ۱۳۹۹: ۷۴-۸۹). بعد ایجابی مقاومت بر محور تقویت درونی قرار دارد و بی‌اثر نمودن اقدام بازیگر مقابل را دنبال می‌کند (همان). مقاومت ایجابی اقدامی است جهت فراهم آوردن عوامل تعادل و توازن؛ فلذا می‌تواند ماهیت فعال و تهاجمی داشته باشد. عدالت‌طلبی، حق‌طلبی، اسلام‌خواهی، صلح‌طلبی، عزت‌طلبی و اقتدار نیز دال‌های مرکزی گفتمان ایجابی مقاومت هستند؛ بنابراین مقاومت به مثابه تعریفی مفهومی، مجموعه‌ای از نشانه‌هاست که در یک فرایند، نظام معنایی خاصی را شکل می‌دهد (کریمی، ۱۳۹۶: ۲؛ رضاخواه، ۱۳۹۲: ۳۱-۳۲). این مقاومت دلالت بر توانمندی‌های داخلی یک بازیگر دارد که امکان نفوذ و مداخله‌گری به سایر بازیگران را کاهش داده و یا منتفی می‌سازد (اسفندیاری و دیگران، ۱۴۰۲: ۵). رویکرد ایجابی مقاومت جنبه فعال دارد و به تلاش بازیگران جهت تقویت درونی خود و اصلاح شرایط محیطی برای تأسیس و تقویت نظام و ثبات آن دلالت دارد (افتخاری، ۱۳۹۹: ۹۴-۷۹). گفتمان سلبی مقاومت نیز دلالت بر عدم پذیرش خواسته‌های سایر بازیگران دارد. در این تعریف مقاومت جنبه واکنشی داشته و در قالب سیاست‌های ایستادگی و مخالفت نمود پیدا می‌کند. مقاومت سلبی مقاومتی است که در پی تعرض هر عامل برهم‌زننده تعادل و توازن به کنشگری پرداخته و به ایستادگی در مقابل تعرض می‌پردازد. سلطه‌ستیزی و نفی سلطه، دال‌های مرکزی گفتمان سلبی مقاومت هستند. رویکرد سلبی، [به تعبیر مسامحی] جنبه انفعالی داشته و به ایستادگی در برابر عوامل معارضه‌جو دلالت دارد. بعد سلبی بر محوریت معادله ساده هزینه-فایده قرار دارد و افزایش هزینه‌های اقدام بازیگر مقابل را دنبال می‌کند (افتخاری، ۱۳۹۹: ۹۶).

۴-۱. مقاومت ایجابی

مراد از مقاومت ایجابی سلسله اقداماتی است ثمربخش و از موضع قدرت جهت تزلزل و اضمحلال توان دشمن و تحلیل قوای آن و تقویت جبهه خویش که می‌تواند گاه به صورت صریح و گاه غیر آشکار رخ دهد. نکته کلیدی آنکه مقاومت ایجابی ماهیتاً اقدام است نه عدم اقدام. به عبارتی گاهی مقاومت به شکل کنشی است جهت سلب قوت حاکمیت و گاهی ماهیتاً از نوع عدم

اقدام جهت تأیید، پشتیبانی و تقویت عناصر قوام‌بخش یک حکومت. بدین ترتیب فعالیت‌های ایجابی امام کاظم علیه‌السلام به جهت سیطره امنیتی نظامی و غلبه قشون عباسیان و قَلت قوای جبهه خویش خودبه‌خود صراحت و بی‌پردگی را جز در موارد خیلی به صورت سخت و مؤکد دارا نبود. اهم اقدامات ایشان در قالب مقاومت ایجابی را می‌توان بدین نحو صورت‌بندی نمود:

۴-۱-۱. مقاومت علمی

در عهد عباسیان کادرسازی و نظام‌سازی با پرورش مفتی‌های وابسته به حکومت و تعیین قاضی‌القضات صورت می‌گرفت که این سمت در کشور پهناور اسلامی (سراسر عراق، خراسان و شام و مصر و...) با مشاوره و معرفی او به سمت قضاوت منصوب شده و حکومت بدین ترتیب با نیروی توجیه آنان اعمال ناروای هارون و... را منطبق با موازین دینی وانمود می‌کردند (سیوطی، ۱۴۰۸: ۲۳۳). از سوی دیگر حکومت عباسی بر رونق کار مفتی‌های درباری و فقیهان وابسته به حکومت یا دست‌کم فقیهان سازش‌کار بی‌ضرر می‌افزود و بدین ترتیب با عالمان وابسته به مرجعیت‌سازی علمی، مردم را از پیشوایان حقیقی اسلام دور نگاه می‌داشتند. این پدیده در دوران امام صادق علیه‌السلام بیشتر به چشم می‌خورد و افرادی را که مدتی در مکتب ایشان شاگردی نموده بودند بر مسند فتوا نشانداده شده و مرجع دینی مردم معرفی شدند. مفتی‌ها در مقابل پشتیبانی‌های بی‌دریغ حکومت، حافظ منافع آنان شده و عقاید آنان را در قالب فتاویٰ نشر می‌دادند تا از این رهگذر مردم را از امام صادق علیه‌السلام دور نگه دارند (پیشوایی و علیدوست، ۱۳۹۲: ۱۰۰).

امام کاظم علیه‌السلام بعد از شهادت پدر بزرگوار خویش نهضت علمی آن حضرت را ادامه داد و در این راه با کارشکنی‌های مخفی و آشکار خلفای عباسی مواجه شده و فعالیت‌های حضرت محدود گشت. جایگاه آن حضرت به گونه‌ای بود که خلیفه و اطرافیانش را بر آن می‌داشت تا تمامی اعمال و حرکات ایشان را زیر نظر بگیرند تا جایی که راویان و محدثان هنگام نقل حدیث و گزارش از ایشان، به طور صریح مطلبی را به امام هفتم نسبت نمی‌دادند؛ بلکه با نام‌های مختلفی چون ابوابراهیم، ابوالحسن، عبدالصالح، صابر و... إسناد می‌دادند. برای همین است که در میان انبوه احادیث نقل شده از ایشان، کمتر به طور صریح نام مبارک ایشان را مشاهده می‌کنیم.

یکی از مهم‌ترین مظاهر مقاومت ایشان مقابله با اندیشه‌های ناصواب و فرق الحادی بود که در جامعه اسلامی و حتی میان شیعیان (مانند غلات، قرامطه، فطحیه، خطابیه، هسته‌های واقفیه و...) راه

یافته بود. امام با وجود محدودیت‌ها در برابر انحرافات فکری عقیدتی سکوت نمی‌کردند و در مسائل مختلف و با وجود تهدید امنیتی، نظر صحیح و منطبق بر قرآن و سنت را مطرح می‌فرمودند، زیرا نحله‌های فکری عقیدتی مختلف در مباحثی از قبیل: نفی صفات ربوبی خدا، مسئله حدوث و قدم قرآن کریم، آزادی و اختیار انسان حتی در میان پیروان سایر ادیان^۱ در دوران عباسی سر برافراشته و طرفدارانی را دور خود جمع کرده بودند.

نکته اینجاست که اگرچه بخش عمده مقاومت ایشان به دوران زمامداری هارون الرشید می‌گذرد ولی بخش دیگر مقاومت ایشان در مقابل انبوه افکار الحادی زمان خویش بود که چون در خود توان رویارویی با اسلام از طریق جنگ و ستیز را نداشتند شروع به سمپاشی در دل تازه - مسلمانان نموده و القای شبهات می‌کردند (نهضت‌هایی چون شعوبیه، مانوی، مزدک و سایر فرق الحادی دیگر) و از قضا همین مقاومت و تبیین عالمانه باعث شد تا در طول زمان عده زیادی از تازه مسلمانان به تشیع متمایل گردند که طبعاً این امر بر مسئولان حکومتی گران می‌آمد. در این زمینه عمده مقاومت ایشان در ردّ شبهات اعتقادی بود زیرا دوران ایشان دوران ظهور جنبش‌های فکری ویرانگری بود که هدفی جز نابودی ارکان دین و کیان اسلامی نداشتند.

استقامت در راه عقیده حق در قالب نهضتی فکری، مقاومت در برابر ارتجاع و عقاید مرجئه، مقاومت در راه اثبات امامت خویش و تقابل با اندیشه‌های ناصواب را در میان شاگردان امام و مناظرات آنان با علمای حامی دستگاه خلافت و پاسداری از مکتب جعفری علیه السلام نظیر گفتگوی قاطع هشام بن حکم و دفاع او از حریم ولایت با استدلال‌های خلل‌ناپذیر و تقابل یونس بن عبدالرحمن با واقفه نیز شاهد هستیم (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۱۳).

۴-۱-۲. قاطعیت در ابراز عدم مشروعیت دستگاه حاکمیت

امام علیه السلام در موارد متعدد موضع انقلابی خود را در به رسمیت نشناختن قدرت حاکمه و عدم تأیید آن به رخ کشانیدند، زیرا هرگونه نرمش ایشان مقابل طاغوت زمان می‌توانست الگوی مقاومت ایشان را خدشه‌دار نماید و همین مسئله باعث شود مابقی مؤمنان نیز در مقابله با طواغیت دچار تردید و سستی شده و برداشت آنان از رفتار امام علیه السلام را حمل بر اقدامی متناقض نمایند. در مواقع متعدد مقابله با برتری‌جویی‌های هارون الرشید را از ناحیه ایشان شاهد هستیم، برای مثال:

۱. مناظره ایشان با یک راهب نصرانی در نفی تشبیه نمونه آن است (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۷۵)

الف. روزی امام وارد کاخ هارون شد و هارون پرسید این خانه چیست؟ حضرت فرمودند: "هذه دار الفاسقين و سپس آیه «سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ» (الأعراف: ۱۴۶) را تلاوت فرمودند. هارون پرسید پس این خانه، خانه، کیست؟ حضرت فرمودند: این خانه از آن ماست ولی دیگران آن را به زور تصاحب کرده اند" (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۹؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۶۲).

ب. هارون در سفر حج وارد مدینه شد و کنار قبر مقدس رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آمد و از روی افتخار و برتری جویی نسبت به امام کاظم علیه السلام خطاب به پیغمبر گفت: "السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَمٍّ؛ ایشان همان دم جلو آمدند و فرمودند: "السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَه". همین امر بر هارون گران آمده و سرافکنده شد و دستور داد تا ایشان را دستگیر کنند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ۳۲۰).

ج. در احتجاجی دیگر با هارون الرشید، امام از گرفتن فدک خودداری کرده بود مگر اینکه با حدود کامل آن باز پس دهد. هارون می پرسد حدود فدک کجاست؟ ایشان می فرمایند: اگر حدود آن را تعیین کنم تو باز پس نمی دهی. هارون اصرار کرد و ایشان فرمود: حد اول عدن حد دوم سمرقند حد سوم آفریقا و حد چهارم ساحل دریا از نواحی جزر و ارمستان که هر بار که امام حدی را مشخص می کردند چهره هارون برافروخته می شد. در واقع امام می خواستند ثابت کنند که کل حکومت جهان اسلام از آن اهل بیت علیهم السلام بوده و مابقی غاصب اند. هارون در پایان گفت: دیگر چیزی برای ما نماند. برخی نوشته اند همین استدلال قاطع ایشان بود که هارون پس از آن تصمیم به شهادت آن بزرگوار گرفت^۲ (سبط ابن جوزی (به نقل از ربيع الأبرار زمخشری): ۱۴۱۸: ۳۱۴).

۴-۱-۳. نفوذ در دستگاه حاکمیت توسط شیعیان خاص

یکی از وجوه بارز مقاومت امام موسی بن جعفر علیهما السلام ارسال و حضور فعالانه برخی شاگردان خاص حضرت در دربار حکومت با هدف احاطه سیاسی بر اوضاع و شناخت صحیح از تصمیم گیری ها جهت حفاظت از کیان و موجودیت تشیع و جلوگیری از نابودی و فروپاشی آن

۱. به زودی کسانی را که در روی زمین به ناحق تکبر می ورزند از (قدرت معارضه با) آیات خود منصرف و روی گردان می کنم...

۲. لازم به ذکر است که در احتجاج مسئله فدک در برخی منابع و با الفاظی متفاوت به جای هارون اسم مهدی عباسی نقل شده که در ادامه خواهد آمد.

بود. همان هسته‌های اندکی که توسط امام سازماندهی شده بود نقش مهمی در مساعدت شیعیان بر عهده داشته‌اند که نمونه آن را در شاگردان ایشان می‌بینیم.

"علی بن یقطين" یکی از شاگردان مورد اعتماد امام بود که ایشان به او اجازه داد به عنوان یکی از کارگزاران هارون در این دستگاه و در جایگاه وزیر حضور داشته باشد. پس از مدتی علی بن یقطين طی نامه‌ای از امام اجازه گرفت تا از این منصب کناره‌گیری نماید اما موسی بن جعفر علیهما السلام او را از این تصمیم منصرف ساخت، زیرا وی همانند دژ استوار و پناهگاهی مطمئن برای شیعیان به شمار می‌رفت و اعتبارات لازم را در حفظ حیات و استقلال شیعه فراهم می‌آورد. امام در گفتگویی با علی بن یقطين به وی فرمودند: این مقام شما مایه عزت برادران (شیعه) توست و امید است که خداوند به وسیله تو، شکستگی‌ها را جبران و آتش فتنه مخالفان را خاموش سازد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۸: ۱۳۶) و فرمود: خداوند در کنار هر طاغوتی، یارانی دارد که به وسیله آن‌ها بلاها را از دوستانش دفع می‌کند (کشی، ۱۴۱۹: ۴۳۵؛ اردبیلی، بی تا، ج ۲: ۵۳۸؛ مامقانی، ۱۳۵۲، ج ۲: ۳۱۶).

هر چند ارتباط مستقیم شیعیانی مثل فضل بن سلیمان کاتب بغدادی، فضل، دبیر و کاتب دستگاه منصور و مهدی عباسی، محمد بن اسماعیل بن بزيع (از صالحان و برجستگان شیعه و از راویان حدیث امام کاظم علیه السلام و از کارگزاران منصور و یکی از وزیران حکومت عباسیان)، حسن بن راشد (مولی بنی عباس) وزیر عباسی و ... با موسی بن جعفر علیهما السلام واضح نیست اما مسلماً نفس حضور ایشان در آن جایگاه بسیار به سود شیعیان بوده است.

۴-۱-۴. تجدید یاد امام حسین علیه السلام به عنوان سبیل مقاومت

مقبره مطهر سیدالشهداء علیه السلام قبل از متوکل عباسی یک بار توسط هارون الرشید لعنه الله علیه تخریب شده بود (طوسی، ۱۴۱۴: ۳۲۵) اما با این وجود ایشان حتی در شرایط خفقان حکومت جور، در احیای نهضت عاشورا به عنوان سمبل مبارزه با طاغوت کوشیده و مرثیه خوان‌ها را اکرام می‌نمودند. امام پیرمردی را که اشعاری در رثای امام حسین علیه السلام سروده بود گرمی داشته و هدایای بسیاری در نزد منصور عباسی به او بخشیدند؛ بدین جهت که آن پیرمرد خاطره امام حسین علیه السلام را تجدید نمود و مظلومیت ایشان را که سمبل مبارزه با طاغوت بود پیش چشم منصور و درباریان متذکر گردید (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ۳۱۹).

۴-۱-۵. حمایت غیر علنی از قیام‌ها

یکی از تاکتیک‌های امام کاظم علیه‌السلام در مسیر مقاومت ایجابی حمایت و تأیید قیام‌هایی بود که پایه‌های حکومت را تضعیف می‌کرد. این موضوع تاکتیک مستقر امام نبود و تأیید ایشان لزوماً نمودی خارجی و صریح نداشت اما وقوع چنین قیام‌ها و نهضت‌هایی در تزلزل حکومت جور و دمیدن روح حیات و غیرت در عمق جان مردم و احساس خیزش در مقابل جباران مؤثر بود و خردپذیر نبود که ائمه اجازه دهند بی‌هیچ ثمری خون افراد صالح از خاندان ایشان روی زمین ریخته شود که پیش از موسی بن جعفر علیهما‌السلام نیز نمونه آن را در تأیید قیام زید علیه هشام بن عبدالملک توسط امام باقر علیه‌السلام شاهد هستیم (خوارزمی، ۱۴۲۳، ج ۲: ۱۲۷). وقتی زید خروج کرد، خاندان خود را به امام صادق علیه‌السلام سپرد و پرداخت دیونش را به ذمه‌ی ایشان نهاد (قزوینی، ۱۴۱۴، ج ۳: ۱۳۱-۱۲۸) و حضرت فرمودند: دوست دارم هر کس که از اهل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خروج می‌کند، نگهداری خاندانش را بر عهده بگیرم (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۴۸). توضیح آنکه هرچند امامان شیعه علیهم‌السلام مترصد قبضه حکومت از دست بی‌کفایت ناصالحان بودند ولی این امر نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت بود. ایشان پیروزی مسلحانه‌ی سریع و آنی را برای اقامه‌ی ستون‌های یک حکومت اسلامی کافی ندانسته و بلکه آن را متوقف بر آماده کردن یک ارتش عقیدتی می‌دانستند که به امامت و عصمت امام ایمانی مطلق داشته، در جهت تحقق اهداف بزرگ آن امام به حرکت پرداخته و برنامه‌ریزی‌های ایشان را پشتیبانی کند. از این رو با نهایت احتیاط با قیام‌های زمان برخورد کردند؛ یعنی نه حمایت صریح و نه بی‌اعتنایی مطلق و بلکه تقویت جریان‌های مخالف نظام منحرف، در زمانی که امکان یاری‌رسانی مستقیم نیست.

یکی از فجایع خونباری که در زمان امام کاظم علیه‌السلام علیه حکومت جور عباسی رخ داد قیام حسین بن علی (مشهور به حسین صاحب فخ) است. او از نوادگان امام حسن علیه‌السلام و رهبر قیام علیه هادی، چهارمین خلیفه عباسی بود. خود حسین می‌گوید: ما دست به نهضت نزدیم مگر پس از مشورت با امام کاظم علیه‌السلام که او به نهضت فرمان داد (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا: ۳۳۵-۳۲۵). امام پس از شهادت ایشان هنگامی که سرهای شهیدان فخ از جمله سر حسین سردار فخ را به مدینه آوردند پس از ذکر کلمه استرجاع فرمود: حسین درگذشت ولی سوگند به خدا او مسلمانی شایسته، روزه‌دار و شب‌زنده‌دار بود؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد و در میان دودمانش

بی نظیر بود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۸: ۱۶۵). حادثه غمبار فح نمونه‌ای از حمایت ضمنی امام کاظم علیه السلام از حسین صاحب این قیام بود. پس از شهادت ایشان، حضرت از آن حادثه اندوهناک گردیده و با تمجید از شخصیت حسین، او را از جمله نهی از منکرکنندگان دانسته (ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۴۵۳) و بر قاتل او هادی عباسی نفرین فرستادند که وی به دعای حضرت به هلاکت رسید.^۱ در روایتی نقل شده است که وقتی سر حسین صاحب فح و اصحاب او را در مجلس موسی بن عیسی، که جماعتی از علویون و از جمله امام موسی بن جعفر علیهما السلام حضور داشتند وارد شد، امام از آن صحنه اظهار اندوه کرده و به تمجید از ایشان پرداختند و فرمودند: «إنا لله، و انا إلیه راجعون، به خدا سوگند، مسلمانی شایسته بود، و پیوسته روزه دار، و شب بیدار و نماز گزار، و آمر به معروف، و ناهی از منکر بود به گونه‌ای که در اهل بیتش نمونه‌ای نداشت» (ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۳۸۰).

۴-۱-۶. مقام اقتصادی

آنچه از سرگذشت طواغیت دوران بر می آید این است که شخصیتی مانند منصور دوانیقی استراتژی جنگ اقتصادی را برای تداوم حکومت خویش انتخاب کرده بود تا مردم به دلیل تنگدستی و گرسنگی از شورش و مبارزه بازداشته شوند. ابن اثیر می نویسد: منصور عباسی با اینکه دست و دلبازی فراوانی نسبت به خاندان خویش داشته و در یک روز ده ها هزار درهم را میان آن ها تقسیم کرده بود (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۶: ۳۱) در عین حال نسبت به مردم مدینه آزار و شکنجه و ظلم فراوانی روا داشت. تمام امکانات اقتصادی آنان را به غارت برد و دسترسی به هر نوع مواد غذایی را در خشکی و دریا از آنان قطع کرد (قرشی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۳۷۵).

در این میان مقاومت اقتصادی ایجابی امام کاظم علیه السلام را می توان در چند بخش عمده پی- جویی نمود: ۱. عطا‌های فراوان به نیازمندان؛ به طوری که کیسه‌های ایشان ضرب المثل شده بود و بستگان‌شان می گفتند: شگفتا از کسی که کیسه امام موسی بن جعفر علیهما السلام به او برسد و او از اندکی آن شکایت کند^۲ (ابن عنبه، ۱۴۱۷: ۱۷۷؛ محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۴: ۱۳۳)، ۲. سرپرستی از

۱. دعای معروف جوشن صغیر: "إلهی کم من عدو انتضی علی سیف عداوته"

۲. کان یضرب المثل بصره موسی علیه السلام، و کان أهله یقولون عجبا لمن جاءته صرة موسی علیه السلام فشکا القلة... (ابن عنبه،

۵۰۰ نفر در مدینه و تأمین معاش آن‌ها (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۹۱) که بیان‌گر استقلال ایشان و بی‌اعتنایی او به دستگاه طاغوتی هارون بود. نقل کرده‌اند هرگاه کسی او را می‌آزرد و به او بدی می‌کرد، برایش کیسه‌ای با موجودی هزار دینار می‌فرستاد (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳: ۲۷) و بخشش‌های پنهانی و مرحمت‌های پنهانی ایشان زندگی مستمندان مدینه را تأمین می‌کرد. در همین راستا می‌توان اذعان داشت که یکی دیگر از وجوه مقاومت اقتصادی حضرت کادرسازی و نیروسازی با بخشش‌های بی‌دریغ ایشان بود؛ به این ترتیب که بسیار اتفاق می‌افتاد افراد مختلف خسارات مالی بسیاری می‌دیدند و یا متحمل بدهی‌های سنگین بودند و آن را با امام در میان می‌گذاشتند و حضرت با پرداخت دیون سنگین، راه تألیف قلوب آنان را می‌پیمود (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۳: ۲۹-۲۸).

بنابراین علاوه بر جنبه‌های امنیتی، یکی از ثمرات حضور اصحاب خاص امام در دستگاه حکومت، جلوگیری از تضعیف بنیه اقتصادی شیعیان بود؛ زیرا نفوذ افرادی مثل علی بن یقطين باعث می‌شد تا علاوه بر حفظ جان و ناموس شیعیان از گزند آسیب، مردم محروم و به‌ویژه شیعیان زیر چتر حمایت آنان قرار گرفته و با رصد شرایط و تصمیمات حکومت، اندک دارایی و اموال ایشان در امان بماند. این اقدام علاوه بر اینکه امری بسیار خطیر بود و در صورت افشای ارتباط اطلاعاتی، عاملان امام موسی بن جعفر علیه‌السلام مجازاتی سنگین داشتند، باعث می‌شد تا از این پس دستگاه حاکم نیز در ارزیابی نیروهای اصیل خود تجدیدنظر کرده و سخت‌گیری‌های بیشتری به خرج دهد. علی بن یقطين که اعتماد هارون را در دستگاه خلافت جلب کرده بود از هر کوششی در پشتیبانی شیعیان و به خصوص در تقویت بنیه مالی شیعیان دریغ نمی‌کرد برای مثال:

الف. مالیات دولتی را بر حسب ظاهر از شیعیان وصول می‌کرد ولی مخفیانه به آنان باز می‌گردانید (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۱۰).

ب. یا به نیابت خود هر ساله تعداد بسیار زیادی از افراد را به حج می‌فرستاد و به هر کدام از آنان به‌عنوان هزینه سفر مبالغی پول —حتی چندین هزار درهم پرداخت می‌کرد. مرحوم مامقانی در این‌باره می‌نویسد: امام کاظم علیه‌السلام اجازه تصرف در خراج و بیت‌المال مسلمانان را به علی بن یقطين داده بود و علی این اموال را به‌عنوان اجرت حج به شیعیان می‌پرداخت (مامقانی، ۱۳۵۲، ج ۲: ۳۱۶). این خود نشانگر آن است که برنامه اعزام نواب به حج تاکتیکی حساب شده بود و علی بن یقطين زیر پوشش این کار بنیه اقتصادی

شیعیان را تقویت می نمود. مرجعیت اموال در پرتو حکومت بر قلب های مسلمانان مبارز و روشن بین و ارسال خمس اموال و دیگر اموال متعلق به بیت المال به محضر آن حضرت بر هارون الرشید پوشیده نبود و سرازیر شدن اموال و وجوهات اسلامی به سمت موسی بن جعفر علیه السلام از چهار گوشه کشور اسلامی به وی گزارش می شد و هارون خود به ولایت عاطفی و علقه احساسی مردمان با امام پی برده بود. روزی هارون امام را کنار کعبه دید و گفت: تو هستی که مردم پنهانی با تو بیعت کرده و تو را به پیشوایی می گزینند؟ امام علیه السلام فرمود: من بر دل ها و قلوب مردم حکومت می کنم و تو بر تن ها و بدن ها (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳، ج ۲۱: ۲۴۲).

۴-۱-۷. مقاومت فرهنگی

تاکتیک تظاهر مذهبی حکومت عباسی، رنگ و لعاب دینی بخشیدن به حکومت خویش و تلاش برای نفوذ معنوی با نقشه های مزورانه بود؛ از جمله:

الف. انتخاب القابی مثل منصور، هادی و مهدی و... که تقریباً همه خلفای عباسی از آن جهت مصادره فرهنگ مهدوی بهره بردند، زیرا برای مردم ستمدیده و جامعه تشنه عدالت آن روز که به تازگی از ظلم دیرینه بنی امیه رهایی یافته بودند مسئله ظهور منجی و برقرار عدالت بسیار جاذبه داشت و بنی العباس را در انقلاب ضد خلیفه اموی یاری می کرد.

ب. تلاش برای پررنگ کردن انتساب عموزادگی حکومت عباسی با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم).

ج. استخدام شعراء نیز یکی از اقدامات هارون الرشید برای کسب محبوبیت در نظر توده مردم بود. وی شاعران و نویسندگان و خطبای درباری را که آن زمان مؤثرترین عامل تبلیغی به شمار می رفتند و از نظر میزان نفوذ، در حکم وسایل ارتباط جمعی امروز بودند وادار به مدح و تمجید از خود می نمود و در این راه اموال فراوانی را نثار آنان می کرد تا افکار عمومی را با این دستگاه تبلیغاتی بفربید. شعرا و مزدوران نیز با اوصاف مبالغه آمیز، وی را مقرب درگاه الهی و متصف به صفات اولیاء الهی معرفی می کردند و جایزه دریافت می نمودند (شوقی ضیف، ۱۹۶۶: ۹۴). منصور نمری با سرودن این شعر صدهزار درهم جایزه گرفت:

ای امرء بات من هارون فی سخط * فلیس بالصلوات الخمس ینتفع (صفدی، ۱۳۸۱، ج ۲۶: ۳۵۹).

یعنی هرکسی که کینه هارون را در دل داشته باشد نمازهای پنج گانه به حال او سودی نخواهد بخشید.

عباسیان تلفیقی از سنت جاهلی را با قانون ارث اسلامی در مسئله خلافت مطرح کردند و آن این بود که بر خلاف صریح قرآن و آیه مباحله نسل انسان از طریق دختر منتقل نخواهد شد. بنابراین هنگام رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تنها وارثی که استحقاق ارث بردن از ایشان را داشته عموی ایشان عباس بوده است و با وجود عموی ایشان (عباس بن عبدالمطلب) نوبت به پسر عموی خویش (امیرالمؤمنین علی علیه السلام) نمی‌رسد. این در حالی است که عباسیان پیش از آن، رشته وصایت و خلافت خود را از طریق ابوهاشم پسر محمد بن حنفیه به امام علی علیه السلام می‌رساندند!

سران حکومت نیز از شعرای سیاسی خود در ترویج این عقیده بسیار بهره بردند؛ زیرا اشعار نغز در آن زمان و به ویژه هجویات به راحتی در جامعه منتشر شده و سر زبان‌ها می‌افتاد. مثلاً مروان بن ابی حفصه این چنین سروده بود:

انی یکون و لیس بکائن * لبنی البنات وراثه الأعمام

یعنی نبوده و چگونه خواهد بود که ارث عموها به پسران دختران برسد که شاعر شیعی "جعفر بن عفان طائی" در پاسخ وی این ابیات را سرود:

للبنات نصف کامل من ماله * و العم متروک بغیر سهام

ما للطلق و للثراث و انما * صلی الطلیق مخافه الصمصام

(ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۱۰: ۳۰۸-۳۰۷).

(چرا دختر ارث نبرد؟) درحالی که دختر نصف کامل میراث پدر را ارث می‌برد و با وجود دختر سهمی به عمو نمی‌رسد. آزاد شده از اسارت را چه به ارث؟ او از ترس شمشیر اسلام آورده و نماز خوانده است.

۱. نوبختی فرقه‌شناس قرن سوم ابداع نظریه وراثت عمو را از ناحیه مهدی عباسی، سومین خلیفه عباسی می‌داند (نوبختی،

۱۴۰۲: ۲۳)

۲. اشاره به ماجرای اسارت عباس بن عبدالمطلب در جنگ بدر

بدین ترتیب امام ناگزیر از این بودند که ابهام پیش آمده در ذهن مردم را مردود ساخته و استحقاق عباسیان و مشروعیت حکومت آنان را در این نظریه به چالش بکشند و در این عرصه با شعرای شیعی به دفاع و مقابله با شعرای دربار عباسی پرداختند و این نوعی مقاومت اعتقادی در برابر اعتباربخشی مزورانه بنی العباس نیز بود.

۴-۲. مقاومت سلبی

با توجه به موقعیت سیاسی و شرایط عصر که وقوع مقاومت ایجابی منجر به فروپاشی نهضت گردیده و سرنوشت اسلام با آن سر و سامانی نمی یافت، برخی ائمه همچون موسی بن جعفر علیهما السلام علاوه بر مبارزه ایجابی ترجیح دادند مبارزه ای مخفی و منفی را با هدف سلب مشروعیت حاکمیت طاغوت در پیش گیرند. استراتژی عمده ایشان در عرصه مقاومت، مقاومت سلبی در سایه پناه بردن به امر تقیه بوده است. فعالیت زیرزمینی در دعوت گسترده بر ضد دشمنان توسط شیعیان باعث شده بود نوعی آگاهی اجتماعی بر ضد حکومت به وجود آمده و به نظر می رسد که اگر علویان مطابق این سیاست حرکت می کردند، به رغم مشکلات و دشواری ها امکان پیروزی بیشتری داشتند.

در اتاق خصوصی ایشان یک شمشیر و یک لباس رزم و یک مصحف نصب است (حمیری، ۱۴۱۳: ۳۱۰). سلاح نماد مقاومت است و امام صادق علیه السلام آن را به تابوت بنی اسرائیل تشبیه کرده که به سوء بگردد حکومت و علم نیز در آنجا خواهد بود: *إِنَّمَا مَثَلُ السَّلَاحِ فِينَا مَثَلُ التَّابُوتِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ حَيْثُمَا دَارَ التَّابُوتُ دَارَ الْمُلْكِ فَأَيْنَمَا دَارَ السَّلَاحِ فِينَا دَارَ الْعِلْمِ* (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۳۸). فلذا هر چند در ظاهر نشانی از مبارزه مسلحانه نیست و اساسا ارتباطات ایشان نیز در حدی نبود که دست به یک مبارزه مسلحانه ببرند اما ایشان یک مبارزه تشکیلاتی طولانی مدت را با داشتن افراد زیاد در لایه های مخفی ایجاد کرده و راهبری می کردند. به همین دلیل است که بخش عمده ای از تاریخ حیات ایشان گزارش نشده است. نکته قابل توجه اینکه امام کاظم علیه السلام تا حد زیادی توانسته بودند ضمن غیرقانونی معرفی کردن حکومت جور، همکار با حکومت را نیز فردی گنهکار و لاابالی معرفی نماید و این تاکتیک نوعی مقاومت در مقابل آن استراتژی دشمن بود که برچسب تشیع را لکه ننگ و عاری میان جامعه مسلمانان شناسانده بود. عقیده ایشان برگرفته از

عقیده خالص اسلامی مبتنی بر عدم سازگاری و مدارا با ستم گران بود و ایشان هر نوع یاری حکومت جور را تحریم کردند^۱.

موضع ایشان نسبت به حکومت هارون نیز موضعی روشن و واضح بود که بر ضرورت نابودی حکومت و سلطنت جور موظف می ساخت. البته چنین رویکردی اقتضای دوران حیات ایشان بود، زیرا حکومت جور تصمیم به نابودی تمامی عناصر مقاومت گرفته بود که نمونه آن تخریب بی-رحمانه مرقد سیدالشهداء علیه السلام در زمان هارون الرشید و تبدیل آن به زمین زراعت (طوسی، ۱۴۱۴: ۳۲۵) و نیز کشتار بی رحمانه علویان و بزرگان علوی (چون عبدالله بن حسن، عباس بن محمد، یحیی بن عبدالله و...) بود تا هیچ گونه اثری از اسوه مقاومت ایجابی باقی نمانده باشد.

۴-۲-۱. نهی از تأیید حکومت جور و سلب اعتماد توده مردم از حاکمیت طاغوت

در مورد امام موسی بن جعفر علیهما السلام شاید بتوان اذعان داشت مهم ترین جنبه از مبارزه سلبی ایشان، تلاش آن امام و شیعیان برای سلب اعتماد توده ها از حکومت ها بود؛ از جمله اینکه در قالب تبیین سری، به افشای بذل و بخشش های سخاوتمندانه بیت المال در راه مفاصد اخلاقی آن ها همت می گماشتند. ایشان شخصاً رهبری گروه مخالف را در برابر حکومت هارون بر عهده گرفته و فتوای تحریم کمک به دستگاه های حاکم را صادر کردند، به این دلیل که کمک به این دستگاه ها تقویت ستمگران است و اسلام فرموده: «وَلَا تَرْكُؤُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ» (هود علیه السلام: ۱۱۳) (قرشی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۹). در این محور عمدتاً موضع سلبی ایشان در مسئله مقاومت در برابر طاغوت و اثبات مشروعیت خویش و نیز تلاش برای معرفی وی به عنوان غاضب منصب خلافت و رباینده حکومت اسلامی پدیدار می گردید، برای مثال:

الف. صفوان بن مهران جمال اسدی کوفی از بزرگان محدثان شیعه و از شاگردان امام صادق علیه السلام بوده است (اردبیلی، ۱۳۳۱، ج: ۴۱۲). وی که با شتران خود کرایه کشی می کرد روزی نزد

۱. جز در مواردی که امام علیه السلام به صلاح دید خویش و بنابر برخی مصالح، به برخی یاران را اجازه حضور در دربار خلیفه را می دادند.

۲. و به کسانی که ستم کرده اند دل نبندید و میل و تکیه نکنید که آتش (غضب خدا) به شما می رسد در حالی که شما را جز خدا هیچ یاور و سرپرستی نباشد و نیز مورد نصرت خدا هم قرار نگیرید.

امام آمده و ایشان به او فرمودند: همه کارهایت نیک است جز یک کارت! صفوان گفت: آن یک کار چیست؟ امام فرمود: شتران خود را به این مرد (هارون) کرایه می دهی؟ صفوان گفت: به خدا سوگند شترانم را برای کارهای ناشایست و کشتار و امور بیهوده کرایه نمی دهم ولی برای سفر حج کرایه داده ام و خودم عهده دار راندن شترها نشده ام بلکه آن ها را به غلامان سپرده ام. امام کاظم علیه السلام فرمودند: آیا پول کرایه بر عهده آن ها (دستگاه هارون) است؟ جواب داد: بله. فرمود: آیا دوست داری آن ها زنده بمانند تا کرایه تو را پرداخت کنند؟ پاسخ داد: بله. امام در جواب فرمودند: "فمن أحب بقائهم فهو منهم، و من كان منهم كان ورد النار" (هر کسی که خواهان بقای آنان باشد از آنان است و هر کس از آنان باشد در دوزخ خواهد ماند) تا اینکه صفوان از خدمت امام خارج شده و شتران را می فروشد. نکته اینجا است که به رغم آنکه هارون متوجه این نکته می شود که صفوان به اشاره امام کاظم علیه السلام از این کار منصرف شده ولی ایشان باز خویشش را در معرض خطر قرار داده و از تأیید حکومت ظالم خودداری کرده و از اندک همکاری با حکومت جور سر باز می زند (کشی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۷۴۰).

ب. امام یکی از شاگردان به نام "زیاد بن ابی سلمه" را از همکاری با دستگاه طاغوت نهی کرد. او گفت: من عیال مندم و آبرومند و احتیاجم باعث شده تا در دستگاه حاکم کار کنم و از طریق آن معاش زندگی را تأمین نمایم. ایشان در جواب فرمودند: اگر من از بالای ساختمانی بلند بر زمین سقوط کنم و قطعه قطعه شوم برایم بهتر است از اینکه عهده دار کاری از کارهای آنان گردم یا بر فرش یکی از آن ها گام بگذارم^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۱۰).

ج. روزی مهدی عباسی اعلام کرد که می خواهم مظالم عباد و حقوقی را که مردم بر گردن من دارند به صاحبانشان برگردانم. امام این را شنیدند و برای استرداد فدک نزد وی آمدند. ایشان به مهدی عباسی می فرمایند: چرا آنچه به زور از ما گرفته شده به ما برگردانیده نمی شود؟ وی گفت: موضوع چیست و ایشان قضیه فدک که از انفال بوده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای دختر

۱. "فقال لی: یا زیاد لأن أسقط من حالي فأقطع قطعة قطعة، أحب إلى من أن أتولى لأحد منهم عملاً أو أطأ بساط أحدهم" نکته قابل توجه در این زمینه آن است که از این رفتار موسی بن جعفر علیهما السلام برداشت می شود که مسئله حضور در دستگاه جور توصیه ای عمومی برای همگان نبوده و در ثانی توانایی و ظرفیت افراد در تصدی چنین پست های خطیر و صلاح دید امام علیه السلام لازمه آن بوده است.

گرامی‌شان حضرت زهرا سلام الله علیها به ارث نهاده بودند را مطرح می‌کنند. مهدی عباسی می‌گوید: حدود آن را بیان کن. ایشان در جواب می‌فرمایند: حد اول آن کوه احد، دوم عریش مصر، سوم سیف البحر (حدود شام و سوریه) و حد چهارم آن دومه الجندل است. مهدی دگرگون شد و در چهره‌اش آثار خشم ظاهر گشت، زیرا امام به وی تفهیم کردند که در واقع تمام سرزمین‌های مملکت اسلامی از آن اهل بیت علیهم السلام است. این بود که مهدی رو به امام کرد و گفت: این مقدار خیلی زیاد است! (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۵۴۳).

۴-۲-۲. تحریم مراجعه به فقیهان درباری

یکی از مهم‌ترین نمودهای مقاومت در سیره امام کاظم علیه السلام در مقابله ایشان با سررشته‌داران افکار انحرافی یعنی فقهاء، محدثان، قراء، مفسران و قضات درباری بود. آنان فکر و ذهن مردم را به سود قدرت‌های ظالم جهت داده و ذهنیت مردمان را آن‌گونه که خلفای جائر می‌خواستند عادت می‌دادند و بدین ترتیب زمینه را برای پذیرش هر حاکم و هر نوع عقیده‌ای مهیا می‌ساختند و مشروعیت آنان را از نظر عوام تضمین می‌کردند. بسیاری از افراد در آن زمان، وضعیت غیراسلامی دستگاه خلفاء را از روی ایمان قلبی تحمل می‌کردند و گمان می‌بردند که شرایط حاکم همان آرمان و مطلوب یک جامعه دینی و اسلامی است. امام علیه السلام احادیثی را به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اجداد طاهرین خویش علیه السلام در مذمت این وابستگیان مزدور بیان کرده و برای مسلمانان هر نوع همکاری در امور دینی و مراجعه به آنان را تحریم ساخته بودند و این نوعی مبارزه منفی بود. در حدیثی از ایشان به نقل از پدران بزرگوار خویش از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که: "الْفُقَهَاءُ أَمْنَاءُ الرُّسُلِ مَا لَمْ يَدْخُلُوا فِي الدِّنْيَا قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا دُخُولُهُمْ فِي الدِّنْيَا قَالَ اتَّبَاعُ السُّلْطَانِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ فَأَحْذَرُوهُمْ عَلَى دِينِكُمْ" ۱. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۶). فقیهان تا هنگامی که وارد دنیا نشده‌اند امین پیغمبرانند. عرض شد: یا رسول الله! معنی ورودشان در دنیا چیست؟ فرمود: پیروی پادشاهان؛ پس چون چنین کنند نسبت به دینتان از ایشان برحذر باشید.

۱. این حدیث با تعبیر مشابه از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است.

در همین راستا امام کاظم علیه السلام نامه‌ای از زندان به "علی بن سواد" نوشته و فرمودند: معارف و معالم دین را از غیر طریق شیعیان ما نگیر؛ اگر از غیر این طریق اخذ کنی، معارف دینی را از خائن به خدا و رسولش و خائن به امانات خدا و رسول اخذ کرده‌ای^۱ (فیض کاشانی، ۱۳۷۱: ۳۶، حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۷: ۱۵۰).

اما اتفاقی که در زمان خلفای جور بنی‌العباس رخ داده بود آن بود که فقه و احکام الهی در خدمت آنان بود و فقه‌های درباری قدرت استدلال و نیروی توجیه خود را وسیله‌ای برای سرپوش نهادن بر اعمال ناروای خلفاء با توجیهاتی منطبق بر موازین شرعی قرار داده بودند. فتوای حلال بودن کنیزی که هارون الرشید عاشق او شده بود و حال آنکه آن کنیز تا پیش از این از آن پدر هارون (مهدی عباسی) بود (سیوطی، ۱۴۰۸: ۲۳۳) و توجیه عیاشی و تجمل‌پرستی‌های هارون با اموال مسلمانان (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ج ۱۰: ۲۱۶) نمونه‌هایی از این فریب وجدان‌ها و فتاوای مصلحتی است!

۴-۲-۳. استقلال اقتصادی با تشکیل شبکه و کلاء و مرجعیت وجوهات دینی

تشکیل شبکه ارتباطی و کلاء از بزرگ‌ترین تاکتیک‌های مقاومتی امام کاظم علیه السلام بود که در واقع تشکیلاتی فعال و سری برای ارتباط میان امام و شیعیان به حساب می‌آمد و شیعیان از این طریق و به دور از چشمان جاسوسان و عوامل اطلاعاتی حکومت می‌توانستند خواسته‌های شرعی و دینی خویش را مطرح و برطرف سازند؛ وجوهات خود، سؤالات و نامه‌های خویش را طریق و کلاء به محضر امام رسانیده و رهنمودهای لازم را دریافت نمایند؛ زیرا در آن خفقان ارتباط مستقیم میان امام و شیعیان امکان‌پذیر نبود.

این اقدام حضرت نوعی عدم تقویت مالی حکومت بود؛ به آن دلیل که مرجع دریافت و سازماندهی وجوهات شرعی مسلمانان بر عهده حاکمیت است، اما مرجعیت وجوهات شرعی مؤمنان توسط امام کاظم علیه السلام از قوت اقتصادی حاکمیت محوریت‌زدایی می‌کرد، چنان‌که

۱. [و اما ما ذکرنا یا علی ممن تأخذ معالم دینک] لا تأخذن معالم دینک عن غیر شیعتنا فانک ان تعدیتهم أخذت دینک عن الخائنین الذین خانوا الله و رسوله و خانوا اماناتهم، انهم اؤتمنوا علی کتاب الله عز و جل فحرّفوه و بدلوه فعلیهم لعنة الله و رسوله و لعنة آبائی الکرام البررة و لعنتی و لعنة شیعتی الی یوم القیامه (همان).

ایشان از هر چهارگوشه کشور اسلامی وجوهاتی را که شیعیان برایشان می‌فرستادند می‌پذیرفت. حجم وجوهات به قدری بود که وقتی ایشان به شهادت رسیدند، ۷۰ هزار دینار از آن نزد "زیاد بن - مروان قندی" و ۳۰ هزار دینار نیز نزد "علی بن حمزه" و ۳۰ هزار دینار و ۵ کنیز نیز نزد "عثمان بن عیسی رواسی" از نمایندگان ایشان بود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴: ۲۵۲ و ۲۵۳). امام گروهی از شاگردان و اصحابش را در مناطقی به نمایندگی خویش منصوب کرده بودند و شیعیان را به آنها ارجاع می‌دادند و آنها شبکه وکلای حضرت بودند. به نوعی مقاومت اقتصادی حضرت از این طریق رقم خورده بود تا حقوق شرعی را گرفته به امام برسانند و در راه شیعیان و مصالح ایشان خرج کنند.

نکته اینکه حتی بخشش‌های مالی امام علیه‌السلام (که در قسمت مقاومت ایجابی بیان گردید) علاوه بر آنکه جنبه احسان و نیکوکاری داشت، به تزلزل پایگاه اجتماعی خلیفه هم کمک می‌کرد تا مردم هم از لحاظ اقتصادی و به حالت "مؤلفه قلوبهم" به اهل بیت علیهم‌السلام مراجعه نمایند و هم مرجعیت‌زدایی اقتصادی از خلافت در دستور کار قرار گیرد. بخشش‌های مالی ایشان به دوستان و حتی دشمنانش (علاوه بر گذشت و عفو) جبهه مقابل را بی‌عده و غده می‌کرد (اربلی، ۱۳۸۱: ۲۴۷) و این خود محبت ایشان را در قلوب مردمان افزون ساخته و جایگاه ایشان را در میان مردم استوارتر می‌ساخت. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که فعالیت اقتصادی ایشان از هر دو حیثیت مختلف مقاومت قابل ارزیابی است؛ آن هنگامی که به تقابل با استراتژی جنگ اقتصادی عباسیان و تقویت بنیه اقتصادی شیعیان مربوط می‌شود ذیل مقاومت ایجابی و همین‌سنخ اقدامات اقتصادی آن هنگامی که به نفی حاکمیت طاغوت و خالی کرده پشتوانه اقتصادی آنان بر می‌گردد ذیل مقاومت سلبی دسته‌بندی شود.

ساختار مدل ایجابی و سلبی مقاومت در تفکر امام کاظم علیه‌السلام را می‌توان در نمودار زیر ترسیم ساخت:



نتیجه گیری و پیشنهادها

مقاومت اقدامی است هوشمندانه با هدف پیروزی و با راهبرد ایثار، صبر و پایداری، اقتدار و توانمندسازی که فلسفه آن به مسئله استقلال و عزت طلبی و نیز نفی سلطه دشمن بر می گردد و عبارت است از استقامت برای تداوم و بهبود وضعیت کنونی و تلاش مستمر برای رونق بخشی به آن در راه رسیدن به وضعیت مطلوب در بلندمدت. مقاومت نقطه مقابل تسلیم و وادادگی در برابر دشمن است که انحصاری در نبرد نظامی نداشته و همه عرصه های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... را در بر می گیرد. مقاومت سرمایه مؤمنان در طول تاریخ بوده که ثمرات آن به مراتب بیشتر از سازشکاری بوده است. هدف از نگارش چنین تحقیقی ارائه صورتی واضح و عینی از مقاومت و صورت بندی انواع و اقسام آن در سیره امام معصومی است که عملکرد اجتماعی و سیاسی او نمایانگر عمق مفهوم مقاومت اسلامی است. در عرصه حیات سیاسی ائمه علیهم السلام، رویکرد ایشان به مسئله مقاومت به تناسب شرایط خاص سیاسی و اجتماعی هر امام، به شکلی متفاوت بروز یافته است. آن هنگام که امامی اقتدار لازم حکومتی را در میان اصحاب خویش فراهم می دیدند با رعایت مصالح زمانه خویش، مقاومت به شکل ایجابی در سیره سیاسی ایشان نمود می یافت که قیام سیدالشهداء علیه السلام نمونه واضح این نوع استراتژی است و آن هنگام که شرایط لازم فراهم نبوده،

به شکل سلبی پدیدار می‌گشت. در این نوع از مقاومت، ائمه معصوم علیهم‌السلام به شکلی غیرصریح ولی با حفظ اسلوب مبارزه به رویارویی با قدرت حاکمه پرداختند که این موضوع در سیره امام موسی بن جعفر علیهما‌السلام نمودی بارزتر دارد و سیره سیاسی ایشان خلاف گفتمان سازشکاری با طواغیت را به اثبات می‌رساند. مصائب طاقت‌فرسایی که در این مسیر متحمل گردیدند همگی به خاطر خالی نکردن میدان مبارزه علیه مستبدان و جباران زمان بوده و اساساً پاسداری از کیان اسلام نیز در قالب استراتژی مقاومت، شأن امام معصوم در هر برهه‌ای از زمان بوده و در این عرصه به حق چهره تابناک آسمان مقاومت، امام کاظم علیه‌السلام است. شخصیتی که به‌رغم شرایط وخیم زمان خود و سالیان متمادی زندان در تاریکی سیاهچال‌های طواغیت زمان خویش نه تنها میدان را به دشمن نسپرده، بلکه جانانه در دفاع از کیان اسلام ناب کوشیدند. عمده تاکتیک ایشان در عرصه مقاومت ایجابی تلاش در راستای فعالیت‌های علمی فکری، سیاسی، ابراز عدم مشروعیت حاکمیت وقت و حتی نفوذ در آن، تجدید یاد سمبل مبارزه و قیام عاشورا، تأیید جریان‌ات انقلابی و حمایت غیرمستقیم از قیام‌ها و مقاومت اقتصادی و فرهنگی بود. ایشان در عرصه کارزار مبارزه سلبی نیز تاکتیک نهی از تأیید حکومت جور و سلب اعتماد توده‌ها از حاکمیت، تحریم رجوع به فقهاء و علمای درباری که عرضه‌گر اسلامی باب میل سلاطین بودند و استقلال اقتصادی و تشکیل شبکه وکلاء و مرجعیت وجوهات شرعی را برگزیدند که فعالیت‌های ایشان در قالب این نوع از مقاومت در تزلزل پایه‌های سلطه ظالمان و تضعیف حیثیت اجتماعی آنان بسیار مؤثر واقع گشت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- قرآن مجید، ترجمه علی مشکینی.
- ابن اثیر جزری، علی بن محمد. (۱۳۸۵). *الکامل فی التاریخ*. بیروت، دارالصادر.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷). *النهاية فی غریب الحدیث و الأثر*. قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن ادیس حلی، محمد بن احمد. (۱۴۱۰). *مستطرفات السرائر*. قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۸). *التوحید*. قم، جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا علیه السلام*. تهران، نشر جهان.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل. (۱۴۲۱). *المحکم و المحيط الأعظم*. بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۷۹). *مناقب آل أبی طالب علیهم السلام*. قم، نشر علامه.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب. (۱۴۲۲). *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*. بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن عنیه، احمد بن علی. (۱۴۱۷). *عمدة الطالب فی أنساب آل أبی طالب علیهم السلام*. قم، انصاریان.
- ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴). *معجم مقاییس اللغة*. قم، مکتب الإعلام الإسلامی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۰۷). *البدایة و النهایة*. بیروت، دارالفکر.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین. (۱۴۱۵). *الأغانی*. بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (بی تا). *مقاتل الطالبین*. بیروت، دارالمعرفة.
- اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱). *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*. تبریز، بنی هاشمی.
- اردبیلی، محمد بن علی. (۱۳۳۱). *جامع الرواة*. قم، کتاب فروشی مصطفوی.
- اسفندیاری، اسماعیل، عیوضی، رحیم، و ولی زاده میدانی، رامین. (۱۴۰۲). *اقتصاد سیاسی راهبرد مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دوفصلنامه علمی دانش سیاسی، دوره ۱۹، ویژه نامه اول*.
[doi: 20.1001.1.20080743.1402.19.0.1.4](https://doi.org/10.1001.1.20080743.1402.19.0.1.4)
- افتخاری، اصغر. (۱۳۹۹). *مقاومت در اسلام؛ نظریه و الگو*. تهران، مؤسسه اندیشه سازان نور.
- بجنوردی، حسن. (۱۳۷۷). *«القواعد الفقهية»*. قم: نشر الهادی.
- بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله. (۱۴۱۳). *عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال* (مستدرک سیده النساء إلى الإمام الجواد علیه السلام). قم، مؤسسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
- پیشوایی، مهدی و علیدوست خراسانی، نورالله. (۱۳۹۲). *پیشوای آزاده*. قم، دفتر نشر معارف.
- حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*. قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳). *قرب الإسناد*. قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

- حمیری، نشوان بن سعید. (۱۴۲۰). شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلام. دمشق، دارالفکر.
- حیدری، محمد. (۱۳۸۱). معجم الأفعال المتداولة. قم، المركز العالمی للدراسات الاسلامیه.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۰). انسان دویست و پنجاه ساله (بیانات مقام معظم رهبری درباره زندگی سیاسی - مبارزاتی ائمه معصومین علیهم‌السلام)، قم، مؤسسه ایمان جهادی، گردآوری و تنظیم: صهبا.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۳). گفتاری درباره صبر، تهران، دفتر نشر انقلاب اسلامی.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی. (۱۴۱۷). تاریخ بغداد او مدینه السلام. بیروت، دارالکتب العلمیه.
- خوارزمی، موفق بن احمد. (۱۴۲۳). مقتل الحسین علیه‌السلام. قم، انوار الهدی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم.
- رضاخواه، علیرضا. (۱۳۹۲). بیداری اسلامی و آینده محور مقاومت. مجله زمانه، شماره ۳۱ و ۳۲، ۳۲-۳۳.
- زاهدی‌تیر، اصغر، و امین‌ناجی، محمدهادی. (۱۳۹۸). بررسی مفهوم مقاومت با رویکرد اجتماعی در آیات قرآن، نشریه مطالعات تفسیری، ۱۰ (۳۸)، ۲۲۶-۲۲۱. [doi: 20.1001.1.22287256.1398.10.38.9.0](https://doi.org/10.22287256.1398.10.38.9.0).
- سبط ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۴۱۸). تذکره الخواص. قم، منشورات الشریف الرضی.
- سیوطی، جلال‌الدین بن عبدالرحمن. (۱۴۰۸). تاریخ الخلفاء. بیروت، دارالکتب العلمیه.
- شوقی ضیف. (۱۹۶۶). تاریخ الأدب العربی: العصر العباسی الاول. قاهره، دارالمعارف.
- صفدی، خلیل بن ابیک. (۱۳۸۱). الوافی بالوفیات. بیروت، مؤسسه البیان.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴). الأمالی. قم، دارالثقافه.
- علیدوست، ابوالقاسم. ۱۳۸۳. «قاعده نفی سبیل»، مقالات و بررسی‌ها، ۳ (۷۶).
- عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰). تفسیرالعیاشی. تهران، المطبعة العلمیه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹). «کتاب العین»، قم: نشر هجرت.
- فیض کاشانی، محمدمحسن بن شاه‌مرتضی. (۱۳۷۱). نوادر الأخبار فیما يتعلق بأصول‌الدین. تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- قرشی، باقر شریف. (۱۴۱۳). حیاة الإمام موسی بن جعفر علیهما‌السلام. بیروت، دارالبلاغه.
- قزوینی، سید محمدکاظم. (۱۴۱۴). موسوعة الامام الصادق علیه‌السلام. قم، بی‌نا.
- کریمی، ابوالفضل. (۱۳۹۶). نقش جمهوری اسلامی ایران در هویت‌بخشی مجموعه امنیتی محور مقاومت، ماهنامه پژوهش ملل، ۲ (۲۰)، ۱-۱۴.
- کریمی، محمود و بخشی، محمدرضا. (۱۳۹۹). مفهوم‌شناسی "جهاد کبیر" در قرآن کریم و تبیین عرصه‌های آن: دوفصلنامه علمی پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۸ (۲)، ۱۸۷-۲۰۶.
- کشی، محمد بن عمر. (۱۴۰۹). رجال الکشی-اختیار معرفة الرجال. مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. تهران، دارالکتب الاسلامیه.
 مامقانی، عبدالله بن محمدحسن. (۱۳۵۲). تنقیح المقال فی علم الرجال (نسخه‌ی خطی) به قلم احمد بن شیخ محمدحسین زنجانی. نجف، بی‌نا.
 مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام. بیروت، دار إحياء التراث العربی.
 محمدی اشتهاردی، محمد. (۱۳۷۴). نگاهی بر زندگی امام کاظم علیه السلام. تهران، نشر مطهر.
 مطلق شقور، رفقه نبیل. (۲۰۰۹). أثر حزب الله فی تطوير فكر المقاومة و أساليبها فی المنطقة العربیة (رسالة الماجستير)، نابلس. جامعة النجاح الوطنی.
 معرفت، محمدهادی (۱۴۱۵). التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
 مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳). الاختصاص. قم، المؤتمر العالمی لآلئیه الشیخ المفید.
 نمازی شاهرودی، علی. (۱۴۱۸). مستدرک سفینه البحار، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
 نوبختی، حسن بن موسی. (۱۴۰۲). فرق الشیعه. بیروت، منشورات دار الاضواء.

سایت‌ها

بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>
 محمدخالد، عمر، (۲۰۱۱م). المقاومة بین قیام الدین الوطنیة، دسترسی در: [https:// www.Edleb.net](https://www.Edleb.net)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی